



از قرآن کریم (فولادوند و معزی)

مصطفی رضائی

حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور آنچه در پی خواهد آمد، حاصل بررسی پانزده جزء اول دو ترجمه استادان محمد مهدی فولادوند^۱ و محمد کاظم معزی^۲ از قرآن کریم است و با توجه به این اصل که هیچ اثری، از نکات مثبت و منفی خالی نخواهد بود سعی شده تا این دو ترجمه از جنبه های گوناگون مورد نقد و بررسی قرار گیرد و نقاط قوت و ضعف هر یک در حد و وسع این جانب و به طور مختصر بیان گردد، باشد که ترجمه ای هر چه بهتر و کامل تر از قرآن کریم در اختیار قرآن دوستان قرار گیرد.

نقد دو ترجمه

۱. نقد و بررسی ترجمه استاد فولادوند:

نقاط قوت:

ترجمه استاد فولادوند، از جمله ترجمه های ممتازی است که بسیار دقیق و علمی کار شده است و مترجم انصافاً حق ترجمه را ادا کرده است؛ آقای بهاءالدین خر مشاهی در

کتاب «قرآن پژوهی» پس از وصف سوابق علمی و فعالیت های قرآنی ایشان آورده است :

«ترجمه استاد فولادوند ترجمه ای است به فارسی امروز و سراسر است و ساده و بدون سبک یعنی فاقد گرایش های خاص و افراطی است. یعنی نه فارسی گرایی مفرط دارد و نه عربی گرایی و بسیار مفهوم است و نحو عبارات پیچیده نیست و از همه مهم تر کمال مطابقت را با متن مقدس قرآن کریم دارد. به طوری که حتی تأکیدهایی را که در نثر و در زبان عربی و نیز در قرآن کریم، فراوان و در فارسی بسیار کمیاب است به نحوی ظاهر کرده اند و تا آنجا که بنده مقابله کردم نه صیغه غایبی را حاضر، نه حاضری را غایب، نه جمعی را مفرد و نه مفردی را جمع کرده اند. گفتمنی است که این ترجمه در حدود ۳-۲ در صد افزوده های تفسیری دارد یعنی ظاهر کردن ضمیر و ظاهر کردن فی المثل جواب «لو» که محذوف باشد و نظایر آن، که آنها را به دقت در داخل علامت قلاب آورده اند. بنده به عنوان ویراستار دست کم سه ترجمه قرآن کریم که در حال حاضر خود نیز به ترجمه این وحی نامه عظیم الهی اشتغال و افتخار دارم، تا کنون ترجمه ای که تا این حد دقیق و در عین حال خوشخوان و غیر تحت اللفظی باشد ندیده ام...»^۳

همان گونه که استاد خرمشاهی بیان کردند ترجمه ایشان قابل تحسین می باشد و دقت استاد فولادوند در ترجمه کلمات، تا حدی است که حتی به شخص و زمان افعال نیز اهتمام کامل دارد تا دقیق و مطابق با اصل، ترجمه شود و نیز برخی کلمات قرآنی که در آیات مختلف، معانی گوناگونی به خود می گیرد، سعی شده تا با استفاده از تفاسیر و احادیث، مناسب و بجا ترجمه شود.

نقاط ضعف:

هر چند ترجمه استاد فولادوند در سطحی بسیار عالی می باشد اما با توجه به این حقیقت که هیچ اثری خالی از اشکال نمی تواند باشد، ذیلاً چند مورد از اشکالات این ترجمه که به نظر بنده رسیده است، اشاره می شود:

۱. استفاده زیاد و نابجا از علایم سجاوندی که نمونه هایی ذکر می شود:

الف) «در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند - چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی - برایشان یکسان است؛ [آنها] نخواهند گروید.» (بقره، ۶/۲)

ب) «و چون به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید»، می گویند: «ما خود اصلاحگریم.» (بقره، ۱۱/۲)

ج) «در دلهایشان مرضی است؛ و خدا بر مرضشان افزود؛ و به [سزای] آنچه به دروغ

می گفتند، عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت. «(بقره، ۱۰/۲)

د) «در حقیقت، شماره ماهها نزد خدا، از روزی که آسمانها و زمین را آفرید، در کتاب [علم] خدا، دوازده ماه است؛ از این [دوازده ماه]، چهار ماه، [ماه] حرام است...» (توبه، ۳۶/۹)

در مثال «الف» جمله «چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی» به عنوان معترضه آمده، در حالی که جزء اصلی جمله است و اگر حذف شود به مفهوم جمله خلل وارد می شود، همچنین در میان دو جمله نیز علامت «کاما» قرار گرفته که لزومی ندارد. در مثال «ب» علامت «کاما» قبل از فعل «می گویند» زاید است.

در مثال «ج» دو جمله اول کاملاً به هم مربوط هستند و در قرآن نیز حرف عطف «فاء» بین آنها آمده است و معنای دو جمله موقوف به هم می باشد ولی در ترجمه از نقطه بند استفاده شده و در جمله بعدی گذاشتن «کاما» بی مورد است.

در مثال «د» علامت «کاما و کاما نقطه» هفت بار تکرار شده که لزومی ندارد.

مثالهای دیگر:

الف) «یا چون [کسانی که در معرض] رگباری از آسمان - که در آن تاریکیها و رعدو برقی است - قرار گرفته اند؛ از [نهییب] آذرخش [و] بیم مرگ...» (بقره، ۱۹/۲)

ب) «... و هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول]، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند، و با [رعایت] احسان، [خونبها را] به او بپردازد...» (بقره، ۱۷۸/۲)

ج) «... پس [به سزای] آنکه کفر می ورزیدید این عذاب را بچشید!» (انفال، ۳۵/۸)

د) «... آری! خدا به هر چیزی تواناست» (آل عمران، ۱۶۵/۳)

ه) «بگو: «آری! پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است: دینی پایدار، آیین ابراهیم حق گرای! و او از مشرکان نبود» (انعام، ۱۶۱/۶)

در مثالهای الف و ب ملاحظه می شود که استفاده از قلاب بیش از حد معمول و زیاد می باشد و در متن های بعدی نیز علامت تعجب (!) نابجا و بی مورد استفاده شده است.

۲. حذف علامت تعجب (!) پس از منادا در برخی موارد:

الف) «ای مردم، پروردگارتان را که شما، و کسانی را که...» (بقره، ۲۱/۲)

ب) «ای فرزندان اسرائیل، نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آرید...»

(بقره، ۴۰/۲)

ج) «و چون گفتید: «ای موسی، هرگز بر یک [نوع] خوراک تاب نیاوریم...»

(بقره، ۶۱/۲)

در نمونه های ذکر شده مشاهده می شود که پس از منادا علامت «کاما» قرار گرفته است در حالی که باید از علامت تعجب (!) استفاده می شد.

۳. استفاده بی مورد از «واو» عطف پس از فعل و صفتی که فعل پس از آن ماضی التزامی یا نقلی و یا بعید نمی باشد:

الف) «آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می کند چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است...» (آل عمران، ۱۶۲/۳)

ب) «... هر کس به خدا شرك آورد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است...» (مائده، ۷۲/۵)

ج) «اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست...»

(انفال، ۶۶/۸)

۴. در ماضی استمراری جزء «می یا همی» باید جدای از فعل اصلی نوشته شود که در برخی موارد رعایت نشده است:

«شما از روی شهوت، به جای زنان با مردان در میامیزید...» (اعراف، ۸۱/۷)

در مثال مذکور، معلوم نیست که آیا نوع فعل «نهی» است یا «ماضی استمراری» و اگر به صورت «می آمیزید» نوشته می شد نوع و زمان فعل دقیقاً مشخص بود.

۵. به کار بردن ترکیب «بر علیه» به جای «علیه»:

«... یاری آنان بر شما [واجب] است، مگر بر علیه گروهی باشد...» (انفال، ۷۲/۸)

۲. نقد و بررسی ترجمه استاد معزی:

در ترجمه استاد معزی سعی شده تا از واژه های مناسب و فارسی استفاده شود و در باره نقطه قوت این ترجمه آقای خرمشاهی گفته است:

«ترجمه مرحوم شیخ محمد کاظم معزی گویا آخرین ترجمه تحت اللفظی مهم و معنی دار قرآن کریم است که به سبک و سیاق هزار ساله ترجمه تحت اللفظی قرآن کریم در زبان فارسی حسن ختام می بخشد.»^{۴۰}

اما با وجود این امتیاز، در این ترجمه موارد اشکال بسیاری مشاهده شد که ذیلاً به آنها اشاره می شود:

۱. در این ترجمه از علایم سجاوندی مگر در مواردی انلك استفاده نشده و همین امر باعث شده تا خواندن و فهم بسیاری از جمله‌ها با دشواری و سختی صورت پذیرد که نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

الف) «... پس پرهیزد آتشی را که سوختش مردم است و سنگ آماده شده است برای کافران» (بقره، ۲۴/۲)

ب) «مهر نهاد خدا بر دلهاشان و بر گوش ایشان و بر دیدگان ایشان پرده ای ...» (بقره، ۷/۲)

ج) «... پس آنان که کفر ورزیدند به پروردگار خویش شرك همی ورزند» (انعام، ۱/۶)
 د) «... و گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنوان ناشتوایی را و رعایت کن ما را به گردانیدن زبان‌های خویش و ستیزگی در دین ...» (نساء، ۴۶/۴)

ه) «این است احکام حدود الهی! ...» (بقره، ۱۸۷/۲)
 در مثال «الف» پس از کلمه «سنگ» آوردن «کاما» لازم و ضروری است تا از جمله بعدی جدا گردد در غیر این صورت ممکن است که جمله این‌گونه خوانده شود «و سنگ آماده شده است برای کافران.»

در مثال «ب» نیز پس از کلمه «گوش ایشان» لازم است که علامت نقطه بند قرار گیرد تا از جمله بعدی جدا شود.

مثال «ج» از دو جمله تشکیل شده است: جمله اول «پس آنان که کفر ورزیدند» و جمله دوم «به پروردگار خویش شرك همی ورزند» بنابراین برای جدا شدن این دو جمله از هم لازم است که پس از فعل «کفر ورزیدند» علامت «کاما» قرار گیرد تا جمله به صورت «پس آنان که کفر ورزیدند به پروردگار خویش» خوانده نشود.

مثال «د» از نظر جمله بندی نادرست است و بهتر آن است که جمله «به گردانیدن زبانهای خویش و ستیزگی در دین» قبل از فعل «گویند» ذکر شود و یا لازم است که با همین سیاق، پس از فعل «رعایت کن ما را» علامت نقطه بند (؛) قرار داده شود.

در مثال «ه» هر چند علامت تعجب گذاشته شده اما در جمله مزبور هیچ نیازی به این علامت نبود و نادرست است.

۲. ساختار جمله بندی و ترجمه بسیار ضعیف است تا آنجا که در برخی موارد فهم مطلب را دشوار و ناممکن نموده است:

الف) «... و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم» (بقره، ۴۹/۲)

«... و در آنتان بود آزمایشی از پروردگار شما بزرگ»

ب) «بَسْمَا اشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا...» (بقره، ۹۰/۲)

«چه زشت است آنچه بدان فروختند نفوس خود را که کفر ورزند بدانچه فرستاده است خدا به ستمگری...»

ج) «قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۹۴/۲)

«بگو اگر برای شما است خانه آخرت نزد خدا مختص شما جز مردم پس آرزوی مرگ کنید اگر هستید راستگویان»

د) «... و يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعْ غَيْرَ مَسْمُوعٍ وَارْعَانَا لِيَا بَالِكِسْتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ...» (نساء، ۴۶/۴)

«... و گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنوان ناشنوبی را و رعایت کن ما را به گردانیدن زبانهای خویش و ستیزگی در دین...»

ه) «... و يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» (نساء، ۵۱/۴)

«... و گویند بدانان که کفر ورزیدند که اینان رهبرنده ترند از آنان که ایمان آورده اند راه را»

پیشکش

در مثال «الف» واضح نیست که آیا کلمه «بزرگ» صفت برای «آزمایش» است یا «پروردگار»، بنابراین لازم است مطابق آیه که این کلمه به عنوان صفتی برای کلمه «آزمایش» آورده شده، در ترجمه نیز این دو کلمه در کنار هم قرار گیرند و به صورت «آزمایشی بزرگ» ذکر شود.

در مثال «ب» به دلیل رعایت نکردن قاعده جمله بندی، ملاحظه می شود که معنای جمله بسیار گنگ و نارسا و خلاف آیه می باشد چرا که از جمله «که کفر ورزند بدانچه فرستاده است خدا به ستمگری» این گونه برداشت می شود که خداوند چیزی را به ستمگری فرستاده است در حالی که منظور آیه، چنین نیست و ترجمه آیه به این صورت درست است: «که به ستمگری، کفر ورزند بدانچه خدا فرستاده است»

در مثال «ج» آیه بسیار بد، ترجمه شده و سیاق جمله بندی سست و فهم آن دشوار است در حالی که با رعایت ساختار جمله بندی می توان آیه را این گونه ترجمه کرد: «بگو: اگر در نزد خدا، سرای آخرت یکسره مختص شما باشد نه دیگر مردم، در این صورت اگر راست می گوید آرزوی مرگ کنید.»

در مثال «د» جمله «به گردانیدن زبانهای خویش و ستیزگی در دین» باید قبل از فعل «گویند» آورده شود و گرنه جمله بسیار پیچیده و غیر قابل فهم خواهد بود.

مثال «ه» در بردارنده دو اشکال است: نخست این که آیه خوب ترجمه نشده است و بهتر آن است که دو کلمه «آهدی و سبیلاً» با هم ترجمه شود و معادل «راه یافته» برای این دو کلمه ذکر شود و دوم ساختار جمله ضعیف است و کلمات در جای خود قرار نگرفتند؛ ترجمه پیشنهادی این گونه است: «و در باره آنانکه کفر ورزیدند می گویند: اینان نسبت به کسانی که ایمان آوردند، راه یافته ترند.»

۳. رعایت نکردن قواعد نگارش و بی دقتی در آوردن شکل صحیح کلمات:

الف) چسباندن حرف اضافه «به» به کلمات پس از آن:

«بنام خداوند بخشاینده مهربان» (فاتحه، ۱/۱)

«بگویند ایمان آوردیم به خدا و بدانچه فرستاده شد بسوی ما ...» (بقره، ۱۳۶/۲)

«پس اگر توبه کردند و پبای داشتند نماز را ...» (توبه، ۵/۹)

در مثال های بالا ملاحظه می شود که حرف اضافه «به» به کلمات پس از آن چسبیده شده، در حالی که باید به صورت جداگانه نوشته شود. در مثال اول صورت درست آن «به نام» است و ترکیب «بنام» در معنای «مشهور و معروف» آورده می شود.

صورت درست مثال دوم «به سوی» است که در آیه ۲۸۵ سوره بقره این مورد رعایت شده است: «ایمان آورده است پیمبر بدانچه فرستاده شده به سوی او از پروردگار خویش و مؤمنان.» در مثال سوم صورت درست آن «به پای داشتند» است.

ب) سرهم نوشتن برخی از کلمات که باید جدای از هم نوشته شود:

«و هنگامی که بر میافراشت ابراهیم ستونهای خانه را و اسماعیل ...» (بقره، ۱۲۷/۲)

«و بدینسان گردانیدیم شما را امتی میانه ...» (بقره، ۱۴۳/۲)

«چه می کند خدا به عذاب شما مگر سپاسگزارید و ایمان آرید ...» (نساء، ۱۴۷/۴)

«... و آنچه آموختید از ددان شکاری حالیکه پروردهندگان آنها باشید ...» (مائده، ۴/۵)

«... پس بخورید از آنچه نگهداشتند بر شما ...» (مائده، ۴/۵)

«ای آنان که ایمان آوردید فرمانبرید خدا و پیمبرش را ...» (انفال، ۲۰/۵)

در تمامی موارد بالا لازم است که دو جزء کلمات مطابق قواعد نگارشی جدای از هم نوشته شود، بنابراین صورت صحیح موارد بالا این گونه است: «بر می افراشت»، «بدین سان، سپاس گزارید، پرورش دهندگان، نگه داشتند و فرمان برید.»

ج) جدا نوشتن برخی ترکیبات که باید به صورت سرهم نوشته شود:

«... برای او است آنچه دست آورد اوست...» (بقره، ۲/۲۸۶)

«آیا چنین است که هرگاه برسد شما را پیش آمدی که شما رسانده باشید دو برابر آن

را...» (آل عمران، ۳/۱۶۵)

«... نه نشینید با ایشان تا فروروند در سختی غیر از آن...» (نساء، ۴/۱۴۰)

«او است آنکه پدید آورده است باغهای افراشته و نافرشته و خرماين و گشت زار...»

(انعام، ۶/۱۴۱)

در مثال های ارایه شده لازم است که ترکیبات، سرهم نوشته شود که صورت درست

آنها این گونه است: «دستاورد، پیشامد، نشینند و گشتزار»

(د) آوردن برخی کلمات به سیاق نگارشی زبان عربی:

«... آیا ایمان آرید به بعضی کتاب و کفر ورزید به بعضی...» (بقره، ۲/۸۵)

«و اسمعیل والیسع و یونس و لوط...» (انعام، ۶/۸۶)

«و ارزانی داشتیم بدو اسحق و یعقوب را هر کدام هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم

از پیش و از نژاد او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون را...» (انعام، ۶/۸۴)

«بگو بخوانید الله را یا بخوانید رحمن را...» (اسراء، ۱۷/۱۱۰)

«... و دادند زکاة را راها کنید راه ایشان را...» (توبه، ۹/۵)

نگارش درست کلمات بالا در زبان فارسی بدین صورت است: «بعضی،

اسماعیل، یسع، اسحاق، داوود، هارون، رحمان و زکات.»

ه) بی دقتی در آوردن شکل صحیح کلمات و یا استعمال کلمات و ترکیبات غیر

مستعمل:

«همانا آنان که ایمان آوردند و آنان که جهود شدند و ترسایان و صائبان...» (بقره، ۲/۶۲)

«... و بهبودی دهم کور مادرزاد را و پیس را...» (آل عمران، ۳/۴۹)

«... بگو همانا هدایت خدا است هدایت تا نبادا داده شود کسی مانند آنچه داده شدید...»

(آل عمران، ۳/۷۳)

«... و بترس از ایشان که نبادا بفریبندت از پاره آنچه خدا فرستاده است به سوی تو...»

(مائده، ۵/۴۹)

«ای گروه مؤمنان نگیرید همدستانی جز از خویش (اطرافیان از غیر از خویش انتخاب

نکنید) که در آشفته گی شما فروگزار نکنند...» (آل عمران، ۳/۱۱۸)

«... نیست آن جز یادآوری برای جهانیان» (انعام، ۶/۹۰)

«... و هر گاه خوانده شود برایشان آیت‌های او بفرزیدشان ایمان...» (انفال، ۸/۲)

«... و بکوشید است در ویرانی آنها...» (بقره، ۲/۱۱۴)

«... پس بگردان رویت را بسوی مسجد حرام...» (بقره، ۲/۱۴۴)

«... و گواه گیرید گاهی که دادستند کنید...» (بقره، ۲/۲۸۲)

«... و نزدیکتر بدانکه شک نیارید مگر آنکه باشد دادستدی جاری...» (بقره، ۲/۲۸۲)

«و هنگامی که جای آوردید عبادات خویش را پس یاد کنید خدا را...» (بقره، ۲/۲۰۰)

«خدا که نیست خدایی جز او زنده پاینده» (آل عمران، ۳/۲)

«و داد به شما از هر چه مستلتش کردید...» (ابراهیم، ۱۴/۳۴)

در تمامی مثال‌های ذکر شده بر اثر بی‌دقتی و یا رعایت نکردن قواعد نگارشی، کلمات به صورت نادرست به کار برده شد که ذیلاً صورت صحیح هر کدام به ترتیب ذکر می‌شود:

«صابثان، بهبود، مبادا، فروگذار، یادآوری، بیفزاید، بکوشیده است، مسجدالحرام، داد و ستد، به جای آوردید، زنده پاینده، مسألت»

همچنین برخی کلمات و ترکیبات غیر مستعمل در این ترجمه آورده شد که چند مورد ذکر می‌شود:

«... و بخورید و بنوشید تا پدیدار شود برای شما رشته سفید از رشته سیاه در بامدادگاه...» (بقره، ۲/۱۸۷)

«... که می‌آفرم برای شما از گل مانند پیکر پرنده...» (آل عمران، ۳/۴۹)

«... خدا را است فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است می‌آفرد هر چه خواهد...» (مائده، ۵/۱۷)

«... چه زشت است آنچه گنهار می‌شوند» (نحل، ۱۶/۲۵)

در مورد اول ترکیب «بامدادگاه» نازیبا است که به جای آن می‌توان از «بامدادان» استفاده کرد.

مورد دوم و سوم که ترجمه فعل «أخلق و یخلق» می‌باشد، جایی مشاهده نشده است و مصدر درست آن «آفریدن» است نه «آفردن»؛ بنابراین به جای آن می‌توان «می‌آفرینم و می‌آفریند» را پیشنهاد داد.

مورد چهارم ترجمه فعل «یزرون» است که ترجمه درست آن «بر دوش می‌کشند» است و ترجمه‌ارایه شده، سست و ناوارد است.

۴. صرف فعل ماضی استمراری مطابق قواعد دستور زبان فارسی نمی باشد:

«... و لهم عذاب أليم بما كانوا يكذبون» (بقره، ۱۰/۲)

«... و ایشان را است عذابی دردناک بدانچه بودند دروغ می گفتند»

«... لَمْثوبة من عند الله خير لو كانوا يعلمون» (بقره، ۱۰۳/۲)

«... همانا ثوابی از نزد خدا بهتر است اگر بودند می دانستند»

«... و يعلمكم الكتاب والحكمة و يعلمكم ما لم تكونوا تعلمون» (بقره، ۱۵۱/۲)

«... و می آموزد به شما کتاب و حکمت را و می آموزد شما را آنچه نبودید بدانید»

فعل ماضی استمراری در زبان عربی از مشتقات فعل «کان» به همراه فعل مضارع ساخته می شود و در زبان فارسی نیز از «می یا همی» به همراه صرف ماضی ساده فعل مورد نظر تشکیل می شود، اما در تمامی موارد بالا ملاحظه می شود که قواعد دستوری زبان فارسی رعایت نشده و فعل هابه طریقی نادرست معنا شده است و بهتر آن است این گونه ترجمه شود: «بدانچه دروغ می گفتند، اگر می دانستند، آنچه را نمی دانستید»

۵. مطابقت صفت با موصوف در مفرد و جمع بودن:

«... فاستكبروا و كانوا قوماً مجرمين» (اعراف، ۱۳۳/۷)

«... پس کبر ورزیدند و شدند قومی گنهکاران»

«... قلنا لهم كونوا قردةً خاسئين» (اعراف، ۱۶۶/۷)

«... گفتیم بدیشان شوید بوزینه گانی رانندگان»

در زبان عربی گاهی مواقع لازم است که صفت مطابق با موصوف خود مفرد یا جمع شود، اما این قاعده در زبان فارسی وجود ندارد، بنابراین در ترجمه، صفات ذکر شده در آیه باید با توجه به این اصل به صورت مفرد آورده می شد، یعنی «قومی گنهکار و بوزینگانی راننده شده» درست است.

۶. وجود غلط های چایی در ترجمه:

«... گفتند همان سوداگری مانند مانند ربا است...» (بقره، ۲۵۷/۲)

«و اگر خواستید بگزینید همسری به جای همسری گزینید...» (نساء، ۲۰/۴)

«و نزدیک نشوید به دارایی یتیم جز بدانچه نکوتر است تا برسد به نیروهای (به جوانی)

خویش خویش...» (انعام، ۱۵۲/۶)

در این سه مثال ذکر شده برخی کلمات دو بار تکرار شده که زاید است.

«یکسان نیستند باز نشستگان از مؤمنان که از نه مرد رنج و آسینند...» (نساء، ۹۵/۴)

« ... و بازیچه گرفتند از آنان که داده شدند کتاب را پیش از شما و کافران و دوستانی ... »
(مائده، ۵۷/۵)

« ... مانند آنکه ایمان آورده است به خدا و هر روز آخر و بکوشیده است ... » (توبه، ۱۹/۹)
در مثال های ذکر شده کلمات « از، و، در » زاید است.

« همانا آنان که پشت کردند از شما روز تلافی دو سپاه نلغز ایندشان شیطان ... »
(آل عمران، ۱۵۵/۳)

« ... و از آنان که جهودند شنوندگانند دروغ را شنواندگانند برای گروهی دیگر که نیامدند تو را ... » (مائده، ۴۱/۵)

« همانا آنان که پراکنده ساختند دین خود را و شدند گروهائی نیستی تو از ایشان ... »
(انعام، ۱۵۹/۶)

« و واژگون سازیم دلها و دیگان ایشان را ... » (انعام، ۱۱۰/۶)
« او است آنکه گردانید خورشید را درخشندگی و ماه را پرتوی ... » (یونس، ۵/۱۰)

« روان شود زیرا آنان جویهایی در باغستان نعمتها » (یونس، ۹/۱۰)
« ... و برتری می جوید برترینی بزرگ » (اسراء، ۴/۱۷)

در مثال های بیان شده غلط های چاپی مشاهده می شود که ذیلاً صورت درست آنها آورده می شود:

« نلغز ایندشان، شنوندگانند، گروههایی، دیدگان، گردانید، زیر، برترینی »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. قرآن کریم، محمد کاظم معزی، چاپ اول، چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۳. قرآن پژوهی، خرمشاهی / ۳۴۴، ۳۴۵.
۴. قرآن کریم، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، مقاله گفتار مترجم / ۶۲۱؛ همچنین دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی، ۵۶۶/۱.